



داکتر سید عبدالله کاظم

15 مارچ 2015

قیام 24 حوت هرات یک قیام خودجوش مردمی بود (به مناسبت سی و ششمین سالگرد قیام)

قیام بزرگ مردم هرات بر علیه رژیم کودتائی 7 ثور که از آن اکنون سی و شش سال می گذرد، یکی از حوادث خونین و اما یکی از حماسه سازترین قیامهای کشور است که به حیث یک رویداد پرافتخار و جاودان در تاریخ مبارزات ملی افغانستان جایگاه خاص دارد. این قیام که به تعقیب یک سلسله قیامهای محلی آن ولایت، به روز 24 حوت سال 1357 یعنی پس از گذشت ده ماه و چند روز از کودتای ثور به وقوع پیوست و مثل طوفان عظیم به شهر هرات فرا رسید، مدت شش روز بطول انجامید. این طوفان که از بین مردم ناراض سر بلند کرده بود، منحصر به عوام نماند، بلکه در روز سوم آتش قیام نظامی را در فرقه 17 هرات شعله ور ساخت که رژیم از موهبت آن لرزید و دست کمک به سوی ولی نعمت خود - اتحاد شوروی دراز کرد. با آنکه قیام با یک دسیسه آشکار سرکوب شد، ولی اثرات آن تا سالهای دراز ادامه یافت که از جهات مختلف دارای اهمیت و برانزنگی خاص است و به جرأت میتوان گفت که هیچ قیام دیگر در کشور تا آنوقت از نظر ماهیت، اهمیت و پیامدهای مهم به پایه قیام 24 حوت هرات نمی رسد.

حوادث هرات بعد از قیام بدتر از آن بود که در جریان قیام به وقوع پیوست. اساساً قیام هرات بود که زمینه ساز تهاجم قوای شوروی به افغانستان گردید. نقطه عطف و فشار این تهاجم بیشتر در دهلیز هرات و در ادامه در ساحات جنوب غربی و جنوب شرقی کشور متمرکز بود، جائیکه برای اهداف طویل المدت روسیه و بعداً شوروی همیشه شامل پلانهای توسعه جویانه آن کشور بطرف آبهای گرم محسوب می شد. همین موقعیت حساس و مهم ستراتیژیک این منطقه بود که از قرنهای بدینسو هرات را به یک معیار بزرگ مدنیت ها و هم محل رقابت قدرتهای بزرگ مبدل کرده بود و هرکشورگشا را به تسخیر آن وامیداشت. به همین اساس در 26 دسمبر 1979 فقط 9 ماه بعد از قیام هرات، قوای سرخ شوروی به افغانستان هجوم آورد و مدت 9 سال و چند ماه کشور را به خاک و خون کشانید و مردم را آواره در هر شهر و دیار ساخت.

در این نوشته میخواهم در رد این شایعه ای تبلیغاتی و غیرواقعی مقامات شوروی و همچنان رژیم کابل بپردازم که ادعا داشتند: قیام بزرگ هرات محصول تحریکات و حتی اقدامات بالفعل بیگانه ها بوده و از همه بیشتر در آن ایران نقش فعال داشته است. بحث را از اینجا آغاز میکنم:

وقتی خبر قیام هرات به اولیای امور شوروی رسید، آنها بطور عاجل جلسه بیروی سیاسی حزب را که عالی ترین مرجع تصمیم گیری سیاسی در شوروی بود، بتاريخ 17 مارچ 1979 یعنی در روز سوم قیام دائر کردند. البته جریان مکمل مباحثات آن جلسه مهم به استناد مآخذ رسمی شوروی در کتاب "هرات - از قیام حوت تا امروز" از این قلم در 498 صفحه در اکتوبر 2011 در کالیفورنیا چاپ گردید، به تفصیل درج است و اما در اینجا توجه را به مقدمه گفتار گرومیکو وزیر خارجه آنوقت شوروی جلب میدارم که به اعضای بیروی سیاسی چنین گزارش داد: «نظر به تازه ترین گزارشاتی که از طریق صحبت تیلیفونی و ارسال سفرا از افغانستان توسط رفیق جنرال گوریلوف سرمشاور نظامی ما در کابل و رفیق الیکسیف کاردار سفارت در آنجا دریافتیم، حالات افغانستان به شدت روبه خرابی نهاده است. مرکز این ناآرامی ها حالا شهر هرات است. در هرات طوریکه از تلگرامهای قبلی برمی آید، فرقه 17 اردوی افغانستان در آنجا مستقر است. اکنون خبر رسیده که این فرقه از هم پاشیده است. نیروی توپچی و بخشی از نیروهای پیاده این فرقه به جانبداری از شورشیان برخاسته اند. باندهای خرابکار که از قلمرو پاکستان رخنه کرده و نه تنها به کمک دولت پاکستان، بلکه چین

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

و هم ایالات متحده امریکا و ایران آموزش دیده و مسلح گردیده اند، در هرات راه سرکشی پیش گرفته اند. عناصر محلی ضد انقلاب که از ایران و پاکستان رخنه کرده اند، با شورشیان پیوسته اند... بسیاری از افغانها که قبلاً در ایران کار میکردند، اکنون از آن کشور اخراج شده اند و روشن است که ناراضیانی شدید نشان میدهند، بسیاری از آنان نیز با شورشیان یکجا شده اند.» (گروموف، موریس: ارتش سرخ در افغانستان، ترجمه عزیز اریانفر، چاپ دوم، پشاور، صفحه 6 و 7)

در پایان این جلسه مهم و طولانی «کرلینکو» عضو بیروی سیاسی جریان مباحثات جلسه را طی ده ماده با اختصار جمع بندی کرد و در فقرات 7، 8 و 9 چنین نوشت:

«7 - در مسوده فیصله نامه ای ما باید فقره ای درج شود مبنی بر موارد نگران کننده از مداخلات پاکستان، ایران، ایالات متحده و چین در امور داخلی افغانستان. این موارد باید برای کشورهای دیگر نیز توضیح شود.

8 - به رفا پانوماریف و زاماتین سفارش شود تا موارد مرتبط با مداخلات پاکستان، ایالات متحده، ایران و چین و سایر کشورها در امور داخلی افغانستان را تهیه نموده و این موارد را برای رسانه بفرستند.

9 - لازم است به دقت به الزاماتی ببندیشیم که سایر کشورها به اتحاد شوروی وارد خواهند کرد و ما را به تجاوز و از این قبیل چیزها متهم خواهند کرد، لازم است بدانیم که به این قبیل سوالات چگونه پاسخ دهیم.» (گروموف...، صفحه 16)

رژیم کابل که مثل شوروی از قیام خودجوش هرات و هموائی اردو بامردم وحشت زده و ناقرارگردیده بود، ترس از آن داشت که مبادا سقوط هرات بدست مردم به ولایات دیگر سرایت کند و بساط رژیم برجیده شود. لذا به تاسی از هدایت سران شوروی برای کتمان حقایق از مردم و جامعه جهانی به پخش تبلیغات وسیع و بی اساس دست زد و با انتشار اعلامیه رسمی، قیام هرات را توطئه اجانب وانمود کرد و آنرا بیشتر به ایران نسبت داد. در اعلامیه رسمی رژیم آمده بود که: «ایران دیوانه وار در حدود چهار هزار نفر سرباز را با لباس افغان وارد این خاک مقدس کرده، آتش ناراحتی و رنج را در کشور ما برافروخته است و کوشیده تا تخم نفاق در بین مردم ما بیفشاند و اختلاف شیعه و سنی را دامن زند تا اربابان امپریالیست خود را درلندن و پاریس خرسند کند.» (همین، انتونی: افغانستان در زیر سلطه شوروی، ترجمه اسدالله طاهری، چاپ سوم، 1367، صفحه 148) (جریده کابل تایمز مورخ - 15 اپریل 1979)

چند روز قبل از قیام هرات آیت الله شریعتمداری یکی از رهبران مذهبی بانفوذ آنوقت در ایران ضمن یک بیانیه پرشور، تعدی رژیم خلقی را بر مردم از فراز منبر محکوم کرد و رژیم بلا فاصله این بیانیه او را به حیث موجب قیام برشمرد و موصوف را بطور طعن بنام «د شریعت مداری» یعنی «حقه باز شریعت» معرفی نمود. (فرهنگ، میر محمد صدیق: افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد دوم، پشاور، 1373، صفحه 123)

نظیف الله نهضت والی آنوقت هرات که یکی از سرسپردگان حفیظ الله امین بود و در سرکوب قیام هرات و کشتار مردم چنگیزوار اقدام کرد، در کتابی که سالها بعد زیر عنوان «آشوب بیگانگان» نوشت، در مورد نقش ایران و نیز نقش عمال شوروی در قیام هرات چنین می نویسد: «به کمیته ولایتی درباره اینکه در هرات یک فتنه بزرگ در حال وقوع است، راپورهای بسیار مواصلت میکرد و در آن گفته می شد که در ایران در مساجد مشهد عده زیاد افغانها جمع شده اند و از طرف مقامات ایرانی خواسته میشود که آنها به افغانستان بروند و حکومت ملحد و کافر را سرنگون سازند. این شایعه هم موجود بود که یک تعداد از قوای مسلح ایران نیز به لباس افغانها با آنها همراه شوند و به کشور ما به زیر نام مجاهدین آمده و فتنه بزرگ را براه اندازند. به همین شکل از فرقه نیز راپور داده می شد که سران فرقه 17 عنان فرقه را به مخالفان مشکوک دولت تسلیم کنند و خود راه فرار را در پیش گیرند. به اساس راپورها بطور عموم اوضاع طوری پیشبینی شده بود که در قدم اول قوای ایرانی به لباس مجاهدین افغان خود را به شهر هرات برسانند و هر ولسوالی که دم راه شان باشد، آنرا از بین ببرند و در قدم دوم وقتیکه قوای متجاوز به شهر هرات برسند، در فرقه 17 کودتا صورت گیرد و افسرانی که توسط دستگاه جاسوسی ایران گماشته شده اند، بعد از فرار مسئولین فرقه اعم از قوماندان و آمر سیاسی و دیگران، مشترکاً قدرت را در دست گیرند و سپس کودتاچیان فرقه با قوای ایرانی یکجا شده زیر نقاب مجاهدین به ولایات مجاور سرازیر و آنجا ها را به سقوط مواجه سازند و باز منتظر رهنمائی از ایران باشند.... برای اینکه تجاوز دشمنان از سرحد ایران پنهان بماند، آنها لازم دیدند که از سرحد ایران گذشته و به نزدیک هرات یعنی ولسوالی پشتون

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

زرغون فتنه را به میان آورند. از همین سبب آنها برطبق پلان قبلی عملیات را از ولسوالی پشتون زرغون از قریه سلیمی آغاز کردند». او در ادامه می افزاید: «بتاریخ 12 حوت ولسوال غوریان غلام محمد فدائی به اساس راپور آمر سرحدی به من اطلاع داد که یک تعداد افراد مسلح و غیرمسلح در لباس افغانی از ساحه (چارریگ) که دربین ایران و افغانستان واقع است، به افغانستان داخل و بطورگروپ گروپ دردهات ولسوالی غوریان پراکنده شده اند. من دراین مورد با مرکز تماس گرفتم، آنها گفتند که فرقه 17 درجریان است و اوضاع زیر کنترل آنها می باشد». (نهضت، نظیف الله: د پردیوی فتنی او تیری (اشوب بیگانگان)، انتشارات میوند، پشاور، 1383، صفحه 33 و 35)

سناریوی فوق که تراوش فکر یک انسان کوتاه بین و منحرف از حقیقت است، نمی تواند قناعت کسانیرا فراهم کند که باحقیق آنوقت آشنا و شاهد حوادث و رویدادهای آنجا بودند. این ادعا که گویا بروز 12 حوت عده زیاد افراد مسلح و غیرمسلح ایرانی به لباس افغانی فاصله سرحد و ولسوالی غوریان را طی کرده و به سادگی به دهات اطراف آن ولسوالی پراکنده شوند، بدون آنکه عمال رژیم جلو آنها را بگیرند و مانع عبور شان به آن محلات شوند، یک ادعای کاملاً بی اساس و یک دروغ محض است. با یک استدلال ساده، ولی مستند می توان بطلان این ادعا را ثابت کرد، به این شرح که:

اوضاع سیاسی درایران از چندماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی درآن کشور رو به بی ثباتی میرفت و هرآن خطر سقوط سلطنت در آنجا محسوس بود. بناً درآن موقع حساس حکومت ایران به هیچ وجه مجال مداخله و آمادگی برای اعزام افراد مسلح را به هرات نداشت. پس از آنکه رژیم سلطنتی ایران سقوط کرد و انقلاب اسلامی بتاریخ 22 دلو 1357 به پیروزی رسید، اوضاع درایران تا مدتی چند ماه درهم و برهم بود. اگر از 22 دلو تا 12 حوت روز شماری کنیم، فقط 20 روز از انقلاب اسلامی در ایران میگذشت. دراین مدت کوتاه در کشوریکه مواجه باتغییر کلی نظام گردیده و تمام امور بهم خورده بود، چگونه ممکن بود که رژیم نویناد اسلامی ایران دستگاه جاسوسی و نیروهای مسلح خود را آماده سازد و یک تعداد آنرا فوری به خارج کشور به منظور برانداختن یک رژیم دیگر اعزام دارد و چگونه در این مدت کوتاه آنها توانستند یک عده افسران فرقه 17 را تطمیع و برعلیه رژیم به کودتا بسیج نمایند؟؟

شیر احمد آهنگر طی یک مقاله مبسوط درزمینه مینویسد: «من در نتیجه فشار و تهدید خلقی - پرچمی ها، تلاش و حملات پیهم شان برای گرفتاری ام، چهار ماه و اندی بعد از انقلاب ایران، اجباراً به آنجا مانند صدها هزار هموطن دیگرم آواره شدم، بعد از این چهار ماه و اندی هنوز هم دفاتر مجاهدین خلق، چریکهای فدائی خلق، حزب رنجبران، حزب توده ووو.. در دانشگاه ها فعال بودند. بیرق هرکدام نیز درآن برافراشته و نیروهای مسلح هرکدام از آن پاسداری میکردند. یعنی هنوز حکومت واحدی در ایران حاکم نشده بود. کدام عقل سلیم می پذیرد که ظرف نژده روز مقامات ایرانی، آنها یک عده آخوند قادر شده باشند تا ضمن استحکام بخشیدن امور دیگر، دستگاه جاسوسی و نیروهای مسلحی را سازماندهی کرده و به افغانستان بفرستند؟» او در ادامه می افزاید: «ظرف این مدت گردانندگان انقلاب ایران هنوز خودشان نمی دانستند که چگونه از چپاول قطعات نظامی کشورشان و از غارت اموال عمومی جلوگیری کنند. در همان روزها رادیوی ایران فریاد می زد که حداقل راکت های بزرگ را نبرید که خطرناک است، به قول ایرانیها به ده هاهزار مسلسل در همان روزها از قطعات نظامی به سرقت رفت. گروه های مختلفی که در انقلاب شرکت داشتند در مناطق مختلف، مخصوصاً دانشگاه ها و مدارس دفاتر مخصوص خود را باز کرده و هرکدام حکومت مستقلی داشتند و از همان مقر فرمانروائی میکردند».

علاوه برآن به استناد «صحیفه نور» که درآن گفته های خمینی یک بیک نشر شده است، قبل از تاریخ ورود به ایران (12 دلو) تا ماه ها بعد او هیچ تماسی با قضایای افغانستان نگرفته است.

قیام 24 حوت رهبران خلقی را چنان دچار وحشت و دهشت ساخته بود که تره کی از ولی نعمت خود کاسیگین صدراعظم وقت شوروی تقاضای کمک میکند و دریک مکالمه تلفونی که درجریان قیام صورت گرفته است، دربرابر این سوال که اوضاع درهرات چگونه است، چنین پاسخ میدهد: «اوضاع خوب نیست، روبه خرابی دارد و طی یک و نیم ماه گذشته از سوی ایران نزدیک 4000 نفر نظامی با لباس غیرنظامی به افغانستان فرستاده شده اند. حالا تمام فرقه 17 پیاده به علاوه واحدهای توپخانه و دفاع هوایی که به روی طیارات ما آتش گشوده اند، در دست آنها است. در شهر جنگ جریان دارد.»

د پانیو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

شیرآهنگر بار دیگر در مقاله خود به گفته تره کی یعنی «یک و نیم ماه گذشته» تماس میگیرد بصورت مستول این شایعه را رد میکند که گویا ایران در قیام 24 حوت نقش داشته است. او می نویسد: «یک و نیم ماه مساوی به 45 روز میشود، هرگاه از 24 حوت به عقب برویم، به تاریخ 9 دلو می رسیم. در این تاریخ خمینی حتی در ایران نبوده و در پاریس زندگی میکرد (ارسال یک پیام عنوانی ملت ایران مبنی بر تداوم مبارزه علیه بختیار، صحیفه نور، جلد 6، صفحه اول، محل ارسال لوشاتو - فرانسه).... خمینی بتاريخ 12 دلو به ایران وارد شد، در این وقت هنوز نماینده شاه (شاه پور بختیار) در ایران حکومت میکرد.... حال چگونه ممکن است ملایان ساخت پاریس و لندن قبل از ایجاد دولت و استقرار رژیم شان در ایران، از پاریس 4000 نفر نظامی راسرهم کرده و پیش از حل و فصل انقلاب و مسائل خود ایران، آنها را برای شورش به افغانستان فرستاده باشند؟» (آهنگر، شیراحمد: تأثیرات و پی آمد های جنبش 24 حوت هرات و برخورد نیروهای مختلف به آن، منتشره افغان جرمن آنلاین ، مورخ 22 حوت 1386) (پایان)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ